

# تفکر چین باستان و قدرت چین مدرن

یان شوئه تونگ  
مترجم: ابوالفضل علمایی فر



۱۳۹۸

- سرشناسه: یان، شونه‌تونگ، ۱۹۵۲- م. Yan, Xuetong  
 عنوان و نام پدیدآور: تفکر چین باستان و قدرت چین مدرن / یان شونه‌تونگ: ترجمه به انگلیسی: ادموند ری‌دن؛  
 ویرایش دانیل بیل و سان جنو؛ ترجمه ابوالفضل علمایی.  
 مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸.  
 مشخصات ظاهری: نوزده، ۴۴۳ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.  
 فروست: یک بررسی شگفت‌انگیز دکتر هنری کیسنجر.  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۸۲۱-۶  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
 یادداشت: عنوان اصلی: [2013]. Ancient Chinese Thought, Modern Chinese Power. -- چین -- تاریخ -- از آغاز تا ۱۵۰۰ م.  
 موضوع: علوم سیاسی -- چین -- تاریخ -- از آغاز تا ۱۵۰۰ م.  
 موضوع: Political science -- China -- History -- To 1500  
 موضوع: کنفوسیوس‌گرایی -- چین -- تاریخ -- از آغاز تا ۱۵۰۰ م.  
 موضوع: China -- Politics and Government -- 2002  
 شناسه افزوده: رایدن، ادموند، ۱۹۵۸- م. مترجم Ryden, Edmund  
 شناسه افزوده: بل، دانیل ا.، ۱۹۶۴- م. ویراستار Bell, Daniel (Daniel A.), 1964  
 شناسه افزوده: سون، چه، ۱۹۶۶- م. ویراستار Sun, Zhe, 1966  
 شناسه افزوده: علمایی‌فر، ابوالفضل، ۱۳۴۰- م. مترجم Olamay, Aboalfazl  
 شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی Elmi - Farhangi Publishing Co  
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۸ ق۲/۱۵۱۰:JQ1510  
 رده‌بندی دیویی: ۳۲۷/۱۰۱  
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۶۱۳۸۷

## تفکر چین باستان

### و قدرت چین مدرن

نویسنده: یان شونه‌تونگ

ترجمه به انگلیسی: ادموند ری‌دن

مترجم: ابوالفضل علمایی‌فر

چاپ نخست: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.



اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان،

پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۷۰-۸۸۷۷۴۵۶۹؛

فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن: ۲-۱۵۱-۸۸۸۸۰۱۵۱؛ تلفکس: ۴۵-۸۸۶۷۷۵۴۴

آدرس اینترنتی: [www.elmifarhangi.ir](http://www.elmifarhangi.ir) [info@elmifarhangi.ir](mailto:info@elmifarhangi.ir)

وب‌سایت فروش آنلاین: [www.elmifarhangi.com](http://www.elmifarhangi.com)

فروشگاه مرکزی (پرنده آبی): خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه

گلفام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۳-۲۲۰۲۴۱۴

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛

تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

## فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم فارسی .....	یازده
سپاسگزاری .....	پانزده
یادداشتی درباره ترجمه .....	نوزده
مقدمه .....	۱

### بخش اول: تفکر چین باستان، قدرت چین مدرن

فصل اول: مطالعه مقایسه‌ای فلسفه سیاسی بین‌دولتی دوران ماقبل	
سلسله چین .....	۳۱
تحقیق حاضر: دستاوردها و محدودیت‌ها .....	۳۲
تفکر تحلیلی .....	۴۰
سطوح سیستمی، دولت و افراد .....	۴۰
جبرگرایی مادی و جبرگرایی مفهومی .....	۴۴
نظم بین‌دولتی .....	۴۸
ستیز بین‌دولتی و جنگ .....	۴۹

- ۵۴..... نظم بین‌دولتی و صلح
- ۵۹..... اخلاق و نظم بین‌دولتی
- ۶۵..... رهبری در بین دولت‌ها
- ۶۷..... ماهیت قلمرو زیر آسمان
- ۷۲..... مبانی رهبری بین‌دولتی
- ۸۰..... انتقال قدرت هژمونیک
- ۸۱..... بنیاد قدرت رهبری بین‌دولتی
- ۸۷..... انتقال قدرت در میان رهبران کشورها
- ۹۴..... تئوری و استراتژی
- ۹۴..... تئوری دیپلماسی جهان‌هم‌نوا
- ۹۵..... تئوری همکاری امنیتی
- ۹۸..... تئوری ثبات و خیزش قدرت هژمونیک
- ۱۰۱..... تئوری انتقال قدرت بین‌المللی
- ۱۰۳..... تئوری ساخت مفاهیم بین‌المللی
- ۱۰۷..... فصل دوم: فلسفه سیاسی بین‌دولتی شونزه و پیام آن برای امروز
- ۱۰۸..... روش تحلیلی
- ۱۰۸..... تحلیل ذات فردی و در سطح فردی
- ۱۱۲..... جبرگرایی مفهومی و علت داخلی جبرگرایی
- ۱۱۴..... تحلیل دقیق و تحلیل مقایسه‌ای
- ۱۱۷..... قدرت دولت
- ۱۱۷..... ماهیت دوگانه دولت به عنوان بازیگر و ابزار
- ۱۱۸..... روابط قدرت سیاسی با قدرت اقتصادی و نظامی
- ۱۲۸..... چشم‌انداز قدرت بین‌المللی
- ۱۲۸..... تعاریف «تمام قلمرو زیر آسمان» و «تصرف تمام قلمرو زیر آسمان»
- ۱۳۰..... اقتدار انسانی بر بنیاد اخلاق سیاسی
- ۱۳۲..... هژمونی بر اساس قدرت سخت و اعتبار استراتژیک
- ۱۳۵..... حکومت استبدادی بر بنیاد اجبار نظامی و حيله‌های جنگی

۱۳۸	..... نظم بین‌المللی
۱۳۸	..... خاستگاه انسانی نزاع و درگیری
۱۴۰	..... نقش محدودکنندهٔ هنجارهای اجتماعی
۱۴۸	..... یافته‌ها و نتیجه‌گیری
۱۴۸	..... هدف استراتژی خیزش چین
۱۵۰	..... بنیاد قدرت استراتژی خیزش چین
۱۵۳	..... استراتژی صعودی
۱۵۶	..... هنجارهای بین‌المللی برابر
۱۶۱	..... فصل سوم: هژمونی در تدابیر جنگی دولت‌های متخاصم
۱۶۲	..... منظر تحلیلی
۱۶۸	..... بنیاد قدرت هژمونی
۱۶۹	..... قدرت جامع ملی؛ اساس قدرت هژمونی
۱۷۱	..... قدرت سیاسی؛ عامل اصلی قدرت هژمونیک
۱۷۶	..... هستهٔ قدرت سیاسی هژمونیک به‌کارگیری وزیران توانا و شایسته است ...
۱۸۰	..... برخورداری از موقعیت جغرافیایی درست؛ ضرورت دستیابی به هژمون ...
۱۸۴	..... نقش هنجارها در هژمونی
۱۸۵	..... احترام به هنجارها؛ اساس مشروعیت هژمونی
۱۸۷	..... هنجارها برای یک هژمون برخوردار از مشروعیت زمینهٔ استفاده از نیروی نظامی را فراهم می‌کند
۱۹۰	..... ریسک و ریسک‌پذیری در ایجاد هنجارهای جدید برای هژمونی ...
۱۹۳	..... اساس استراتژی برای دستیابی به هژمونی
۱۹۳	..... استراتژی ضمیمه‌سازی
۱۹۸	..... استراتژی تشکیل اتحاد
۲۰۳	..... فرصت برای جنگ
۲۰۷	..... نتیجه‌گیری و پیامی برای امروز
۲۰۷	..... پیامی برای تحقیق در قدرت ملی
۲۰۹	..... پیامی برای پژوهش در نظام‌های بین‌المللی
۲۱۲	..... پیامی برای مطالعهٔ تئوری استراتژی بزرگ
۲۱۴	..... پیامی برای استراتژی ارتقای چین

### بخش دوم: نظرات

فصل چهارم: آزمون‌های از تئوری پژوهشی در خصوص فلسفه سیاسی

- بین‌دولتی دوران ماقبل سلسله چین ..... ۲۱۹  
موضوعات برای بحث ..... ۲۲۳  
سوالات و پیش‌بینی‌ها ..... ۲۳۱

فصل پنجم: دو قطب کنفیوسیسیسم: مقایسه فلسفه سیاسی بین‌دولتی

- منسیوس و شونزه ..... ۲۴۱  
حوزه‌های مورد توافق ..... ۲۴۳  
امتیازات جزئی مشابه ..... ۲۴۷  
نکات اختلاف ..... ۲۵۵  
فهم قدرت دولت ..... ۲۵۵  
خاستگاه مشاجرات ..... ۲۵۹  
راه‌های حل درگیری‌های بین‌المللی ..... ۲۶۲  
پیام فلسفه سیاست بین‌الملل منسیوس برای امروز ..... ۲۶۷

فصل ششم: هژمونی سیاسی در چین باستان: مروری بر «هژمونی در

- تدابیر جنگی دولت‌های متخاصم» ..... ۲۷۱  
یک هژمونی، مسیرهای متفاوت، محدودیت‌های مفهومی ..... ۲۷۲  
اساس ساختار هژمونی سیاسی ..... ۲۷۵  
هژمونی سیاسی در نظام بین‌الملل ..... ۲۸۲  
هژمونی سیاسی و استراتژی خارجی آن ..... ۲۸۷  
نتیجه‌گیری ..... ۲۹۱

### بخش سوم: پاسخ به نظرات

فصل هفتم: فلسفه دوران ماقبل سلسله چین و خیزش چین امروز... ۲۹۵

انگیزه مطالعه فلسفه سیاسی دوران ماقبل سلسله چین ..... ۲۹۶

۲۹۶.....	غنابخشی به تئوری روابط بین‌الملل معاصر
۲۹۹.....	تعمیق فهم واقعیت‌های سیاسی بین‌المللی
۳۰۲.....	درس‌هایی برای سیاست امروز
۳۰۴.....	روش فهم فلسفه دوران ماقبل سلسله چین
۳۰۹.....	روش تمایزگذاری بین اقتدار انسانی و هژمونی
۳۱۵.....	عوامل غنابخش تئوری مدرن
۳۲۱.....	راهبردهایی برای خیزش چین

### ضمائم

۳۳۱.....	ضمیمه یک: دوران‌های بهار و پاییز و دولت‌های متخاصم و اساتید ماقبل سلسله چین
۳۳۲.....	دوران بهار و پاییز
۳۳۴.....	دوران دولت‌های متخاصم
۳۳۵.....	اساتید دوران ماقبل سلسله چین

۳۴۱.....	ضمیمه دوم: یان شوئه‌تونگ پژوهشگر واقع‌گرا، دلبسته پیش‌بینی علمی
۳۴۱.....	دوران رشد و نمو
۳۴۷.....	کار و تحصیلات
۳۵۰.....	تحصیل در خارج
۳۵۴.....	پیشینه دانشگاهی
۳۵۸.....	وضعیت دانشگاهی
۳۶۷.....	تأثیرگذاری بر کارهای دانشگاهی یان

۳۷۷.....	ضمیمه سوم: چرا هیچ مکتب چینی تئوری روابط بین‌الملل وجود ندارد؟
۳۷۸.....	فقدان نام‌گذاری یک تئوری توسط آفرینندگان آن
۳۷۹.....	کشورها به‌ندرت در نام‌گذاری تئوری آورده می‌شوند

- تنوع در جامعه چین زیادتر از آن است که در یک تئوری مجرد جای  
گیرد..... ۳۸۱
- زایش مهم‌تر از نام‌گذاری است..... ۳۸۲
- انقلاب در برابر تعدیل تئوری روابط بین‌الملل..... ۳۸۴
- یادداشت‌ها..... ۳۸۷
- کتاب‌شناسی منتخب..... ۴۲۹



## پیشگفتار مترجم فارسی

تفکر چین باستان و قدرت چین مدرن را می‌توان کتابی بی‌نظیر در عرصهٔ تئوریزه کردن «رؤیای چینی» به منظور عملی ساختن آن دانست. این کتاب را پروفیسور یان شوئه‌تونگ<sup>۱</sup>، استاد برجسته و رئیس مؤسسهٔ روابط بین‌الملل دانشگاه شینخوا، به رشتهٔ تحریر درآورده است. در عصر قدرت‌گیری نخبگان نسل پنجم به رهبری شی جین‌پینگ و تلاش این کشور برای «فرار از تلهٔ طبقهٔ متوسط» و دستیابی به توسعهٔ پایدار و نیز افزایش چالش‌های این کشور با ایالات متحد آمریکا و درگیری‌های آن در دریای جنوب چین و تحولات جهانی، خاصه پس از جایگیری جمهوری خواهان به سردمداری ترامپ در کاخ سفید، اهمیت این کتاب فزونی بسیار یافته است.

یان شوئه‌تونگ، که در سال ۲۰۰۸ نشریهٔ امریکایی سیاست خارجی<sup>۲</sup> او را در ردیف صد روشنفکر برتر جهان قرار داد، از منظری واقع‌گرایانه مباحثی عمیق را در ارتباط با تثبیت قدرت چین مدرن در عرصهٔ روابط بین‌الملل و نشستن آن به جای قدرت هژمون غالب –

---

1. Yan Xuetong

2. *Foreign Policy*

ایالات متحد آمریکا - بیان می‌کند. بر این اساس، این کتاب از دو منظر اهمیتی شایان توجه دارد: نخست آنکه وی با بررسی اندیشه بین‌دولتی متفکران بزرگ دو دوران تاریخی چین باستان، یعنی دوران ماقبل سلسله چین و دوران دولت‌های متخاصم، تصویری روشن و عمیق از آب‌شخور فکری چینیان امروز در اختیار قرار می‌دهد، که در نتیجه آن می‌توان تا حد زیادی تفاوت نگاه نخبگان این کشور به عرصه نظام بین‌الملل با همگنان غربی‌شان را دریافت؛ دوم آنکه چشم‌اندازی از حرکت چین طی سال‌های آتی به منظور جایگزین شدن با قدرت هژمون غالب را به تصویر می‌کشد، که بی‌شک درک مؤلفه‌های آن از اهمیتی حیاتی برای فهم تحولات و انتقال قدرت در حوزه روابط بین‌الملل برخوردار است. شاید از همین روست که هنری کیسینجر از این کتاب با صفت «بررسی شگفت‌انگیز» یاد می‌کند. از این رو، می‌توان کتاب حاضر را در ردیف کتاب‌های بنیادین شناخت چین امروز قرار داد که جنبه‌های مختلف بنیادهای خیزش چین مدرن را مورد کنکاش قرار می‌دهد و می‌کوشد چشم‌اندازی از رویکرد چین فردا در عرصه نظام بین‌الملل ارائه دهد.

با توجه به موارد پیش‌گفته، در برگردان متن انگلیسی به فارسی تلاش بسیار شد که ضمن وفاداری به متن، با توجه به اندک آشنایی مترجم با زبان چینی و فرهنگ و تمدن چندین هزارساله این کشور، کار به شیواترین صورت ممکن و به گونه‌ای سامان‌یابد که بتواند جان‌مایه مقصود نویسندگان را به خواننده فارسی‌زبان منتقل کند؛ هرچند در این خصوص باید بر سختی کار اذعان کرد، به ویژه دشواری برگردان متون کلاسیک چینی به زبان فارسی که در جای‌جای مقالات، نقل‌قول‌های بسیاری از آن‌ها عیناً روایت شده است. در این راستا، ترجمه اسامی و برخی موارد خاص با تکیه بر نویسه چینی و نوع تلفظ آن در زبان ماندرین چینی انجام گرفته است. همچنین با توجه به مفاهیم متفاوت پاره‌ای از واژه‌ها در زبان و فرهنگ چینی و متن انگلیسی، برخی از واژه‌ها بر حسب جایگاهشان در متن

ترجمه شده‌اند که از آن میان می‌توان به واژه «state» اشاره کرد که بر این اساس، به معانی مختلف برگردان شده است.

خویش را ملزم می‌دانم که سپاس و تقدیر خود را تقدیم تمام دوستان و اندیشمندان کنم که در عرصه کارچین‌شناسی همواره مرا یاری داده‌اند و زمینه و فراغت لازم برای ترجمه این کتاب را برایم فراهم آوردند. مسئولان شورای راهبردی روابط خارجی با صمیمیت زمینه ترجمه و چاپ این کتاب را فراهم کردند: جناب دکتر محمدباقر خرمشاد، دبیر محترم شورای راهبردی روابط خارجی، جناب دکتر محسن اسلامی و دوست عزیز و صاحب‌نظم جناب دکتر ناصر اسدی، مشاور محترم کمیسیون علمی - فرهنگی شورای راهبردی روابط خارجی، در به نتیجه رسیدن این کار نقشی پررنگ و صمیمانه ایفا کردند؛ سپاسگزار آنانم. همچنین تشکر ویژه می‌کنم از جناب آقای دکتر کمال خرازی برای حُسن انتخاب و یاری‌شان در چاپ و نشر این کتاب.

بی‌تردید همسر مهربانم سرکار خانم میرزاوند و فرزندم عمید نقشی بی‌بدیل در شکل‌گیری موفق این ترجمه بر عهده داشته‌اند؛ از هر دوی آنان تشکر می‌کنم.

در پایان، صمیمانه امیدوارم این کتاب گامی باشد در جهت آشنایی بیشتر با چین در جایگاه یک قدرت نوظهور در عرصه نظام بین‌الملل، و کاهش فقر منابع دست‌اول درباره حوزه تمدنی آسیا در عرصه‌های علمی و دانشگاهی.

دکتر ابوالفضل علمایی‌فر

تهران، مردادماه ۱۳۹۷



## سیاسگزاری

ایده این کتاب از گفت‌وگویی پدید آمد که در سال ۲۰۰۷ در دانشگاه شینخوا<sup>۱</sup> انجام گرفت. دانیل بل<sup>۲</sup> و دوست قدیمی‌اش سان جا (سانی)<sup>۳</sup>، که به تازگی برای مدیریت مرکز روابط چین و امریکا به دانشگاه شینخوا نقل مکان کرده بود، در حال خوردن ناهار در رستورانی به نام یان<sup>۴</sup> در نزدیکی در اصلی دانشگاه شینخوا بودند. سان اشاره کرد که یان شوئه تونگ در حال کار کردن روی فلسفه سیاست بین‌الملل ماقبل سلسله «چین»<sup>۵</sup> و فکر کردن به پیامدهای خیزش چین است. این امر نویدبخش ترجمه یک سری از کارها بود. به دنبال آن، سان کمک کرد تا ملاقاتی با پروفیسور یان در همان رستوران یان تنظیم گردد (نویسه این دو یان در زبان چینی متفاوت است). تیم سه نفره موافقت کرد که با سردبیری بل و سان، به طور فشرده روی

---

1. Tsinghua University

2. Daniel Bell

3. Sun Zhe (Sunny)

4. Yan

۵. تلفظ «qi» و «ch» در زبان چینی تفاوت دارد، و در پی اینگ تفاوت این دو نویسه به شکلی که عنوان شده است نشان داده می‌شود، اما نشان دادن این تفاوت در زبان فارسی تقریباً محال است. بر این اساس، «QIN» را همان چین ترجمه کرده‌ام که در متن سعی شده است تفاوت آن با نام چین امروز نشان داده شود. - م.

کتاب کار کند. از سان جا تشکر ویژه می‌کنیم به خاطر مفهوم‌سازی پروژه و مشاوره مستمر در خصوص اینکه کار چگونه باید سامان یابد. همچنین از شو جین<sup>۱</sup>، که به ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف پروژه کتاب کمک کرد، تشکر می‌کنیم.

دفتر یان شونه تونگ درست در انتهای سالنی بود که دفتر دانیل در آن قرار داشت، که این موضوع نیز نتیجه بخش بود. آن‌ها ملاقات‌های حضوری بسیاری داشتند که در مواجهه با موضوع و رفع ابهامات، بسیار راه‌گشا بود. در ارتباط با کار یان، میزگردی در ماه ژوئن سال ۲۰۰۹ در دانشگاه شینخوا به عنوان قسمت نخست کنفرانس عمومی اندیشمندان روابط بین‌الملل در خاک اصلی چین برگزار شد که طی آن، سه منتقد یان نوشته‌های خود را ارائه کردند. کتاب یان و مقالات منتقدانش اصلاح شد و انتشارات دانشگاه پرینستون<sup>۲</sup> دست‌نویس‌ها را برای سه داور ناشناس ارسال کرد. ما از این سه داور سپاسگزاریم؛ زیرا گزارش آن‌ها به غنای این کتاب کمک کرد.

شاید بزرگ‌ترین چالش ترجمه‌های سری، پیدا کردن مترجمانی است که به پروژه علاقه‌مند باشند. ما خوش‌شانس بودیم که دکتر ادموند ری‌دن<sup>۳</sup>، که ترجمه درخشانی از چینی کلاسیک و مدرن به زبان انگلیسی داشت و خود او به ویژه در زمینه فلسفه سیاست بین‌الملل اندیشمندان ماقبل سلسله چین نوشته‌هایی داشت را پیدا کردیم. تشکر می‌کنیم از آکسل اشنایدر<sup>۴</sup> و مت کاوسکی<sup>۵</sup> که برای آشنا شدن با دکتر ری‌دن به ما کمک کردند.

همچنین تشکر ویژه می‌کنیم از ایان ملکم<sup>۶</sup> و پیترو دوترتی<sup>۷</sup> از بخش انتشارات دانشگاه پرینستون برای بالا بردن امکان سری ترجمه‌ها و

1. Xu Jin

2. Princeton University Press

3. Edmund Ryden

4. Axel Schneider

5. Matt Kawecky

6. Ian Malcolm

7. Peter Dougherty

علاقه و کمک مستمر آنها. همچنین از آقای پی. اچ. یو، رئیس کل صندوق شینخوا برای تحقیقات امریکا - چین که گشاده‌دستانه به این پروژه کمک کرد، سپاسگزاریم.





## یادداشتی درباره ترجمه

این کتاب را ادموند ری دن ماهرانه به انگلیسی ترجمه کرده است. نویسندگان و ویراستاران دو نسخه از پیش نویس را با مترجم بررسی کرده‌اند و تمام تلاش خود را برای رفع ابهامات به عمل آورده‌اند. ما در مجموع برای واژه‌های کلیدی از ترجمه استاندارد استفاده کرده‌ایم، به غیر از نویسه وانگ<sup>۱</sup> - ایدئال سیاسی متفکران دوره ماقبل سلسله چین که با نویسه با<sup>۲</sup> (با، هژمونی) تضاد دارد - که به جای آنکه با واژه مصطلح تر «فرزانه‌شاه»<sup>۳</sup> ترجمه شود، به «اقتدار انسانی»<sup>۴</sup> ترجمه شده است. شایان ذکر است که یان برای بازتأسیس یک نظام پادشاهی که آن را فرزانه‌ای رهبری می‌کند که جهان را با اخلاقیات نجات خواهد داد، به مجادله نمی‌پردازد.

---

1. wang

2. ba

3. sage king

4. humane authority



## مقدمه

دانیل بل

اگر امریکایی‌های افراط‌گرای لیبرال‌هایی هستند که در وقایع خودساخته مخفی می‌شوند، چینی‌های واقع‌گرا ایدئالیست‌هایی‌اند که به خاطر حوادث فراواقع‌گرایانه<sup>۲</sup> انقلاب فرهنگی در اختفا قرار می‌گیرند. یان شوئه‌تونگ، نویسندهٔ این کتاب، در خانواده‌ای اخلاق‌مند و روشنفکر پرورش یافت و در شانزده‌سالگی تحت عنوان «سپاه سازندگی» به شمالی‌ترین نقطهٔ چین، جایی که نه سال در آنجا ماند، اعزام شد. او تجربهٔ سخت خود در این دوران را چنین وصف می‌کند:

در آن زمان، ایدئولوژی چپ در نوسان کامل بود. در ماه مه در هیلونگ‌جیان<sup>۳</sup> هنوز آب از شدت سرما یخ می‌بست. با اینکه با چرخ خیاطی کار می‌کردیم، اجازه نداشتیم برای خود پوتین بدوزیم. پابرهنه روی یخ‌ها راه می‌رفتیم. پاهایمان پر از زخم و جراحت بود. کیسه‌های بذری که گاه و زنگاه بالای هشتاد کیلوگرم بود را حمل می‌کردیم. ما این کیسه‌ها را در طول راهی که در اطراف شالیزارها

---

1. neoconservatives

2. surreal events

3. Heilongjiang

کشیده شده بود حمل می کردیم. این راه‌ها مسطح‌سازی نشده بودند و با کمترین بی احتیاطی، ممکن بود به داخل آب بیفتیم. فقط به فکر بالا رفتن و ادامه دادن بودیم. در انتها، زمانی که دست و پا زدنمان تمام می شد و دراز می کشیدیم، چشمانمان فقط سیاهی می رفت و چیزی نمی دیدیم... ما با چشمان خود شاهد بودیم که کسانی زیر کتک مردند تا ما به نوعی بتوانیم جان به در ببریم.

در سال ۱۹۶۹ «صدای امریکا» پیش‌بینی کرد که جنگ در مرزهای شوروی - چین در بگیرد:

زمانی که ما جوان بودیم این جمله را یاد گرفته بودیم. ما به طور خاصی خوشحال بودیم. ما امیدوار بودیم که یک جنگ عظیم بتواند وضعیت کشور را بهبود بخشد یا دست کم شرایط زندگی ما را تغییر دهد. امروزه مردم از جنگ می‌هراسند، اما در آن زمان ما به یک اقدام ناگهانی امید بسته بودیم، حتی اگر جنگ جهانی می‌بود. در آن چارچوب ذهنی، تفاوتی بین مرگ و زندگی نبود؛ هدفی در زندگی وجود نداشت.

چهار دهه بعد، یان شوئه‌تونگ به عنوان یکی از تأثیرگذارترین تحلیلگران سیاست خارجی و تئوریسین روابط بین‌الملل ظاهر شد (در سال ۲۰۰۸ مجله فارین پالیسی وی را یکی از صد روشنفکر تأثیرگذار معرفی کرد). او آشکارا عنوان می‌کند که تجربه سختش طی انقلاب فرهنگی و کار در مناطق روستایی چین نظرگاه او را شکل داده است:

آن شرایط به مردم این اعتماد به نفس را می‌داد که می‌توانند بر تمام موانع فائق آیند. این اعتماد به نفس دقیقاً به خاطر دشواری‌هایی بود که به طور مستمر با آن‌ها مواجه بودند؛ زیرا همواره باید برای یک پیشامد بد، آماده می‌بودند. از همین رو، مردم بسیاری که به مناطق روستایی اعزام می‌شدند در مواجهه با زندگی، واقع‌گرا بودند. کسانی

که تجربه زندگی سخت نداشتند بیشتر مستعد پذیرش دیدگاه بدبینانه به سیاست بین‌الملل بودند [۱].

برای جهان خارج، ممکن است یان به منزله «شاهزاده تاریکی» چین، یک مشاور سیاسی جنگ‌افروز که دشمن گرایان لیبرال است، به نظر آید. مارک لئونارد<sup>۱</sup>، نویسنده کتاب تأثیرگذار چین به چه می‌اندیشد؟<sup>۲</sup>، یان را «افراط‌گرای نوین<sup>۳</sup> پیشرو» در چین لقب می‌دهد؛ یک ملی‌گرای مدعی که خواهان اتخاذ یک رویکرد سخت در خصوص تایوان، ژاپن و ایالات متحده امریکاست. «افراط‌گرا» در چین معادل نئومحافظه‌کار در امریکاست:

عنوان «افراط‌گرا» به او می‌چسبد؛ زیرا شباهت‌های زیادی بین یان شوئه‌تونگ و همانندهای وی (نئوکان‌ها) در ایالات متحده امریکا وجود دارد. یان شوئه‌تونگ تقریباً تصویر ویلیام کریستول<sup>۴</sup> در آینه است: جایی که کریستول نگران تهدید چین است و متقاعد شده که ابرقدرتی ایالات متحده امریکا تنها راه‌حل برای نظم و صلح جهانی است، یان شوئه‌تونگ در این نظر محکم است که مدرن کردن ارتش چین کلید ثبات جهانی محسوب می‌شود [۲].

اما ارزیابی لئونارد – که بر اساس منابع موجود به زبان انگلیسی انجام شده – مغایر با دیدگاه یان است. یان نه یک کمونیست (یا مارکسیست) است که معتقد باشد اقتصاد کلید قدرت ملی است، نه یک واقع‌گرای افراطی که بر این باور باشد که چین، به جای نهادهای چندجانبه، باید به ارتش تکیه کند تا به مقصود خود دست یابد. استدلال یان این است که رهبری سیاسی کلید قدرت ملی و نیروی نظامی بخش ضروری رهبری سیاسی است. اقتصاد و ارتش اجزای

1. Mark Leonard

2. *What Does China Think?*

3. neo-comm

4. William Kristol

اصلی تشکیل دهنده قدرت ملی به شمار می‌روند، اما این دو در ارتباط با رهبران سیاسی‌ای که بر اساس هنجارهای اخلاقی عمل می‌کنند حکم ثانوی را دارند. اگر رهبران چین مجذوب این نگرش شوند و بر اساس آن عمل کنند، می‌توانند نقش بزرگ‌تری در شکل دادن نظم جهانی هم‌نوا<sup>۱</sup> و صلح‌آمیز بازی کنند. یان هنوز یک واقع‌گرای سیاسی است؛ زیرا بر این نظر است که رهبری سیاسی روابط بین‌الملل را شکل می‌دهد. این فقط یک ایدئال نیست، بلکه جهان سیاست به واقع به این شیوه کار می‌کند. به هر حال یان بر این باور است که نظم جهانی، بر اساس سلسله‌مراتبی است با حضور برخی دولت‌های مسلط و دیگری که تأثیر کمتری دارند، اما تسلط عمدتاً با رهبری آگاهانه سیاسی حاصل می‌شود نه با قدرت اقتصادی یا نظامی.

تئوری یان تحت تأثیر کاوش‌های دانشگاهی او در خصوص متفکران چین باستان و حاکمیت و روابط ایالت‌ها در دوران جنگ مستمر بین ملوک‌الطوایف‌های پراکنده پیش از اتحاد چین به دست اولین امپراتور سلسله چین در ۲۲۱ پم شکل گرفت. به این ترتیب، یان از افراط‌گرایان نوین جدا می‌شود: او یک چهره دانشگاهی و به همان میزان یک مفسر سیاسی است. این کتاب ترجمه کار یان در خصوص فلسفه سیاست بین‌الملل متفکران چین باستان است. سه مقاله یان همراه شده است با نوشته‌های انتقادی سه تن از چهره‌های دانشگاهی چین. در فصل آخر یان به این نقدها پاسخ می‌دهد و چشم‌انداز فلسفه دوران ماقبل سلسله چین را برای چین در حال خیزش امروز ترسیم می‌کند. کتاب شامل سه ضمیمه است: یک گزارش کوتاه از پیش‌زمینه تاریخی و متفکران کلیدی دوره ماقبل سلسله چین که ممکن است برای غیرمتخصصان مفید باشد؛ یک مصاحبه شفاف

با خودِ یان شوئه تونگ؛ و استدلال وی در خصوص اینکه چرا مکتب چینی تئوری روابط بین‌الملل وجود ندارد. ممکن است خوانندگان این کتاب با تمام مباحث یان موافق نباشند، اما امیدواریم برچسب «افراط‌گرایی نوین» به او نچسبد.

**فلسفه سیاسی بین‌الملل متفکران ماقبل سلسله چین**  
 دوره بهار و پاییز<sup>۱</sup> (۷۷۰ - ۴۷۶ پم) و دوره دولت‌های متخاصم<sup>۲</sup> (۴۷۵ - ۲۲۱ پم) دوران رقابت‌های بی‌رحمانه برای گسترش مرزها در میان دولت‌های کوچک است.<sup>۳</sup> دولت‌های کوچک

#### 1. the Spring and Autumn Period      2. the Warring States Period

۱.۳ اگرچه این دوره با عدم اتحاد مناطق مختلف کشور و جنگ‌های داخلی از دیگر دوره‌های چین باستان متمایز می‌شود، اما در این دوره چین شاهد یک شکوفایی فرهنگی بود که از آن با نام «عصر طلایی» چین یاد می‌گردد. همچنان که همواره در دوره‌های بحران جوامع است که بهار مکاتب فکری و اندیشه‌ها برای یافتن پاسخی به منظور حل مشکلات شکوفا می‌شود، در چین باستان نیز فضای اصلاحات و عقاید جدید بیشتر در نتیجه ستیز و نزاعی به وجود آمد که در میان فرمانروایان محلی برای ادامه بقا در گرفته بود. آنان برای ساختن یک ارتش قوی نیاز به امکانات مادی داشتند؛ از این رو، در تلاش بودند تا با افزایش تولید اقتصادی و افزودن بر قلمرو، به یک حوزه وسیع و مطمئن برای جمع‌آوری مالیات دست یابند؛ در نتیجه، به شدت با یکدیگر در رقابت و ستیز بودند. فرمانروایان برای دستیابی به اهداف اقتصادی - نظامی خود، که طبیعتاً حوزه فرهنگی را نیز در بر می‌گرفت، نیاز شدیدی به افزایش میزان تولید ابریشم و بالا بردن تعداد «دیوان‌سالاران باسواد» و آموزگاران داشتند. وجود سیستم گزینش و استخدام دیوان‌سالاران، که غالباً بر اساس شایستگی و لیاقت انجام می‌گرفت، خود عاملی برای تقویت «مبنای فرهنگی و فکری» حاکم به شمار می‌رفت. از این رو، در این دوران، تجارت خارجی و ضرب سکه و فناوری تشویق شد. در این دوران بود که از آهن هم برای ساخت تسلیحات جنگی و هم برای ابزار آلات کشاورزی استفاده شد و کارهای عام‌المنفعه بسیاری نظیر کنترل سیل، پروژه‌های آبیاری و کانال‌کشی به اجرا درآمد. دیوارهای بی‌شماری پیرامون شهرها و در طول مرزهای شمالی کشیده شد. فرمانروایان در این دوران، برای بقای خویش، به دنبال آموزگاران و استراتژیست‌ها بودند. از این رو، روشنفکران و متفکران، در کنار آموزش به مریدان خود، به عنوان «مشاور» در امور گوناگون مربوط به مملکت‌داری، جنگ و

شاهزادگان هنوز به پادشاهی جائو<sup>۱</sup> به عنوان فرمانده مشترکشان احترام می‌گذارند. اما همان‌طور که یانگ چیانرو<sup>۲</sup> در فصل چهارم اشاره می‌کند، این «بیشتر شبیه روابطی است که امروزه کشورهای مشترک‌المنافع بریتانیای کبیر با یکدیگر دارند. آن‌ها جایگاه ملکه را به عنوان رأس کشورهای مشترک‌المنافع می‌پذیرند، اما از استقلال برای برابر با انگلستان برخوردارند». واقعیت تاریخی آن است که «چندین حکومت بزرگ شاهزادگان از دو عنصر اساسی 'دولت مدرن'، یعنی قلمرو و حاکمیت، برخوردار بودند. آن‌ها همچنین حدود مرزی بسیار

→

شیوه‌های دیپلماسی به استخدام فرمانروایان مختلف این دوره درمی‌آمدند. این امر، خود عامل تقویت‌کننده فعالیت‌ها و مشاجرات روشنفکری و سیستم ایدئولوژیک بود. از این رو، دوران طلایی فلسفه چین در این عصر یا به عرصه هستی نهاد. در اواخر این دوره، که از آن با نام «بهار و پاییز» یاد می‌شود، و در اوایل دوره «دولت‌های متخاصم»، فلسفه‌های مختلفی گسترش یافتند که غالباً با نام «صد مکتب فلسفی» شناخته می‌شوند. از این صد مکتب فکری نوشته‌های کلاسیک عظیمی متولد شد و بر جای ماند که بر دوره‌های پس از خود به شدت تأثیر گذاشتند، به گونه‌ای که آداب و رسوم چین در هزاره‌های بعدی بر اساس این نوشته‌ها بنیان یافت. در تاریخ‌نگاری مکاتب فکری چین به طور سنتی از این صد مکتب فلسفی، که در دوره بهار و پاییز رشد کرده‌اند، نام برده می‌شود. اما پس از این دوران، یعنی در دوره سلسله هان (۲۰۲ پ.م - ۲۵ م)، با نوشته شدن کتاب ثبت‌های تاریخ‌نگاران به قلم سوزوماچی ان که خود یک مورخ برجسته بود، اولین ثبت سیستماتیک تاریخ عظیم چین انجام گرفت. وی مکاتب دوران مذکور را در قالب «شش مکتب» طبقه‌بندی می‌کند. در حقیقت، این طبقه‌بندی شامل مکاتبی می‌شود که از نظر تاریخی دارای اهمیت هستند؛ هرچند ممکن است به سبب التقاطی که در این شیوه طبقه‌بندی صورت می‌گیرد، مکاتبی به صورت مصنوعی و بدون توجه به نظریه پردازان و متفکران آن مکاتب شکل گیرد. در مجموع تأثیرگذارترین مکاتب فکری این دوران را می‌توان در پنج دسته تقسیم کرد، که با در نظر گرفتن اعتقاد به نیروی یین و یانگ (Yin & Yang) که تمامی دیگر مکاتب فکری را از خود متأثر ساخت و جای دادن آن در چارچوب «مکتب کیهان‌شناسان»، می‌توان از شش مکتب فکری مهم در دوره بهار و پاییز نام برد. این مکاتب در حقیقت پشتوانه‌هایی فکری برای تمدن چینی هستند که بر تمامی تاریخ پس از خود تأثیر گذاشتند. برای اطلاع بیشتر ← وردی‌نژاد، فریدون، علمایی، ابوالفضل و شهرام قاضی‌زاده، ازدهای شکیبا: چین دبروز، امروز و فردا، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۹. م.

1. Zhou king

2. Yang Qianru



مشخصی داشتند». مسلماً دوره بهار و پاییز و دوره دولت‌های متخاصم به نظام جهانی امروز شبیه‌تر بوده‌اند تا به امپراتوری چین که در آن نظام امپراتوری (پادشاهی میانه) مرکز جهان انگاشته می‌شد. از این رو، نباید تعجب کرد که در این زمان یک گفتمان غنی در خصوص کشورداری پدیدار گردید که تا امروز از اعتبار برخوردار است. یانگ به این موضوع اشاره می‌کند:

در ارتباط با موضوع دفاع از امنیت خود، [دولت‌های ماقبل سلسله چین] به دنبال توسعه و حل روابط در میان خود و مرکز پادشاهی بودند؛ در نتیجه، آن‌ها از یک منبع غنی و تجربه ارزشمند در خصوص سیاست و دیپلماسی برخوردار بودند. این پیکره سیاسی بفرنج و پیچیده فضایی برای دانشوران برای نگاه به نظام بین‌الملل، روابط بین‌دولت و فلسفه بین‌دولتی ایجاد می‌کرد. به این ترتیب، چیره‌دستان و متخصصان ماقبل سلسله چین کتاب نوشتند و تئوری‌ها را پیش بردند تا ایده‌هایشان درباره چگونگی مدیریت ایالات و اجرای دیپلماسی و استراتژی نظامی را به فرمانروایان بفروشدند، در حالی که آنان نقشی اساسی در دفاع از استراتژی‌های انسان‌قدرتمند<sup>۱</sup> یا یک هژمون شدن و ایجاد خط عمودی (شمال - جنوب) یا افقی (غرب - شرق) متحد یا ایجاد اتحادها یا شروع جنگ بازی می‌کردند. دانشورانی که در تاریخ اندیشه غور کرده بودند فقط به یک سو نگاه می‌کردند و بر ارزش اربابان ماقبل سلسله چین تأکید داشتند. تفکر به عنوان تئوری (فلسفی، تاریخی یا سیاسی) در جایی بود که بیشتر این ایده‌ها برای انجام اقدامات سیاسی و مقاصد دیپلماتیک در میان ایالت‌ها به کار گرفته می‌شد. تأثیر این دانشوران هم در گذشته و هم در زمان حال اثبات شده است. در نتیجه، در خصوص نقش مثبت و کاربردی تحقیقات در روابط خارجی، سیاست‌های دولتی و استراتژی نظامی سبک‌های به کاررفته در دوران ماقبل سلسله چین یا استفاده از ثمرات خوشه‌چینی از مطالعات این اندیشمندان در تفکر سیاست بین‌الملل شکی نیست [۳].

فصل نخست دربرگیرنده مقایسه همه‌جانبه تئوری‌های سیاسی بین‌ایالتی هفت دانشور است: گوانزه<sup>۱</sup>، لائوزه<sup>۲</sup>، کنفسیوس<sup>۳</sup>، منسیوس<sup>۴</sup>، موزه<sup>۵</sup>، شونزه<sup>۶</sup> و خانفیزه<sup>۷</sup>. یان از معیارهای تئوری روابط بین‌الملل برای تجزیه و تحلیل روش تفکر آن‌ها بهره می‌گیرد و توضیح می‌دهد که آن‌ها در مورد نظم بین‌ایالتی، روابط بین‌ایالتی و انتقال هژمونیک قدرت چه می‌گویند. تجزیه و تحلیل یان نشان می‌دهد که تنوع وسیعی در چشم‌انداز فلسفه سیاست بین‌الملل ماقبل سلسله چین وجود دارد؛ هرچند در این عرصه تشابهاتی نیز وجود دارد. «متفکران ماقبل سلسله چین بر این نظر بودند که اخلاق و نظم بین‌ایالتی مستقیماً به ویژه با سطح اخلاق فردی رهبر و نقش او در تعیین ثبات و نظم بین‌ایالتی ارتباط دارد». فرمانروایان نگران موفقیت حاکمیت در جهانی بودند که متحدان و توازن قدرت در آن در حال تغییر بود و آنان نیز به استخدام مشاوران لایق نیازمند بودند: «کنفسیوس، منسیوس، موزه و گوانزه، همگی تغییر در قدرت هژمونیک را توضیح می‌دهند که به یک متغیر واسط نیاز دارد، که همان به کارگیری افراد ارزشمند است. تمامی آنان فکر می‌کنند که استخدام افراد با ظرفیت و ارزشمند برای موفقیت حکومت‌داری، حتی در شرایط بسیار سخت، ضروری است». و اگر فرمانروایان در پی دستیابی به بالاترین سطح اخلاقی فرمانروای سیاسی باشند، متفکران ماقبل سلسله چین (به استثنای خانفیزه) همگی موافق‌اند که مبنای قدرت بشر سطح اخلاقیاتی است که در دولت وجود دارد. البته یان چنین به صراحت سخن نمی‌گوید، اما احتمال قوی وجود دارد که در نقاط مورد توافق در میان چنین متفکران

1. Guanzi

2. Laozi

3. Confucius

4. Mencius

5. Mozi

6. Xunzi

7. Hanfeizi

متنوعی باید در خصوص اینکه سیاست بین‌الملل به واقع چگونه کار می‌کند نظرات نزدیک به هم وجود داشته باشد.

یانگ چیانرو در تفسیر خود (فصل چهارم) به روش جامعه‌شناسی علمی یان اعتراض می‌کند، روشی مبنی بر ارائه یک مدل توضیحی که به محققان اجازه دهد از متون تاریخی عینی نتایج عام علمی استخراج کنند و بر اساس آن، خیزش چین امروز را تجزیه و تحلیل نمایند. یانگ فی‌نفسه به روش‌های تئوری سیاسی بین‌المللی اعتراضی ندارد، اما این استدلال را می‌کند که «ما باید به درستی واقعیت متون تاریخی و تفکر دانشوران ماقبل سلسله چین را دریابیم و سپس حوزه‌ها و چشم‌اندازهای تحقیق حاضر را تعمیق و توسعه بخشیم». با این همه به نظر می‌رسد دیدگاه‌های یان و یانگ چندان از هم دور نیستند. در اینجا بیشتر دو روش‌شناسی<sup>۱</sup> با تأکیدات متفاوت مطرح است که می‌توانند به همدیگر غنا ببخشند. هدف یان آن است که «یک تصویر واقعی» [تأکید از من است] از اندیشه دوران ماقبل سلسله چین به چنگ آورد؛ از این رو، اکتشافات جدیدی در تئوری می‌کند. به طور اصولی او می‌تواند عقاید متفکران ماقبل سلسله چین را به منظور ایجاد تئوری‌های جدید یا ترسیم معانی خیزش چین تحریف کند، اما او چنین نمی‌کند: در برخی موارد، او نگران حقیقت تاریخی است. از این رو، تفاسیر ذهنی تاریخی از راه تصحیح و توسعه نقل او از متفکران دوران ماقبل سلسله چین می‌تواند به پروژه یان کمک کند. اگر آن‌ها فکر می‌کنند که حکایت او اشتباه است، به آن‌ها اجازه دهید که برای توضیح مسئله، روایت‌هایی جزئی از متن تاریخی ارائه دهند. به عنوان تفاسیر ذهنی تاریخی، آن‌ها می‌توانند از تحقیقات یان دریابند که مذاقه در متن تاریخی دوران ماقبل سلسله چین منجر به

سؤالاتی می‌شود که به لحاظ سیاسی و تئوریک با مسائل امروز ارتباط بیشتری دارند.

در فصل دوم تمرکز یان به ویژه بر فلسفه سیاسی بین‌ایالتی شونزه است. شونزه (۳۱۳ - ۲۳۸ پم) یک ترکیب‌کننده بزرگ فلسفه سیاسی بین‌الملل در دوره بهار و پاییز و دوره دولت‌های متخاصم به شمار می‌رود. اگرچه در مجموع وی حامی اصول اخلاقی کنفوسیوسی است، اما کار خود را با بدینی به طبیعت بشر آغاز می‌کند و به روشنی با استراتژی مناسب برای متن‌های غیرایدئال سیاسی ارتباط برقرار می‌کند. در تضاد با عقاید مدرن در خصوص عدالت و حاکمیت، شونزه استدلال می‌کند که با توجه به وجود سلسله‌مراتب در میان دولت‌ها، در مورد حفظ امنیت و نظم بین‌الملل، دولت‌های قدرتمند مسئولیت بیشتری دارند. شونزه بین سه نوع از قدرت‌های بین‌المللی در جهت کاهش نظم خوب، یعنی قدرت انسانی، هژمونی و استبدادی، تمایز قائل می‌شود. استبدادی که بر نیروی نظامی و حيله و نیرنگ استوار باشد به طوری اجتناب‌ناپذیر دشمن می‌تراشد و باید با هر هزینه‌ای از آن اجتناب کرد. در جهان آنارشی که دولت‌ها به دنبال منافع خود هستند، دولت هژمونیک ممکن است از درجه‌ای از اخلاق برخوردار باشد؛ زیرا متکی به استراتژی خود است: چنین دولتی در داخل کشور مردم خود را نمی‌فریبد و در خارج نیز اقدام به فریب متحدان نمی‌کند. اما اطمینان استراتژیک نیز می‌بایست پایه‌ای در قدرت سخت داشته باشد، بدان‌سان که قدرت هژمون بتواند اعتماد متحدان خود را به دست آورد. از نظر شونزه اقتدار انسانی به معنای دولتی است که قلب‌های مردم در داخل و خارج را از آن خود کرده است. این هدف غایی است و اقتدار انسانی بر اساس قدرت اخلاقی برتر خود فرمانروا بنا می‌شود. تفسیر یان:

ما برای پیدا کردن رهبر سیاسی‌ای که استانداردهای شونزه را داشته باشد مشکل داریم. اما اگر کسی روزولت، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در زمان جنگ جهانی دوم را با جورج دبلیو. بوش مقایسه کند، می‌توانیم منظور شونزه در خصوص اینکه قدرت معنوی رهبر چه نقشی در تأسیس هنجارهای بین‌الملل و تغییر نظام بین‌المللی بازی می‌کند را دریابیم. باور روزولت به صلح جهانی انگیزه‌ای شد برای بنیان‌گذاری سازمان ملل بعد از جنگ جهانی دوم، در حالی که باورهای بنیادگرایانه مسیحی بوش منجر به آن شد که ایالات متحده آمریکا به طور مستمر هنجارهای بین‌المللی را به استهزا بگیرد، که این روند منجر به کاهش میزان اثرگذاری رژیم بین‌المللی منع اشاعهٔ سلاح‌های کشتار جمعی گردید.

یان موافق است که قدرت انسانی باید هدف دولت باشد. البته او شونزه را برای نادیده گرفتن این واقعیت مورد انتقاد قرار می‌دهد که اقتدار انسانی باید پایه‌ای در قدرت سخت داشته باشد: «فقدان قدرت قوی یا ناکامی در داشتن نقش کامل در امور بین‌الملل و فقط برخوردار بودن از قدرت معنوی برای اینکه یک دولت را قادر سازد که رهبری جهان را بر عهده بگیرد کافی نیست».

شو جین در تفسیر خود (فصل پنجم) استدلال می‌کند که برای شونزه مشکل است این نکته را مطرح کند که هنجارهای سلسله‌مراتبی می‌توانند «اجرا یا حفظ شوند، وقتی که افرادی شریر (یا حتی دولت‌هایی شریر) وجود دارند که با سخره گرفتن هنجارها، به دنبال مقاصد خود هستند، به ویژه زمانی که این افراد (یا دولت‌ها) از نیروی قابل توجهی برخوردار باشند». شو پیشنهاد می‌کند که آسان‌تر آن است که نتایج سیاسی نظرات شونزه با دیدگاه منسیوس، مبنی بر اینکه انسان به طور طبیعی به خوبی گرایش دارد، تقویت شود. به هر حال منسیوس می‌تواند از این

منظر وارد این بحث شود که چگونه اقتدار انسانی می‌تواند اجرا شود: علاوه بر تأکید بر اخلاق فرمانروا، او پیشنهادهایی دقیق ارائه می‌دهد در خصوص اینکه چگونه می‌توان نیازهای اساسی زندگی مردم عادی را تأمین کرد و به آن امنیت بخشید؛ نظیر وضع مالیات سبک و ایجاد نظام تقسیم اراضی.

یان در فصل سوم (با همکاری خوانگ یوشینگ<sup>۱</sup> نوشته شده است) تصویری با جزئیات زیاد از فلسفه هژمونیک دوره دولت‌های متخاصم ارائه می‌دهد. این کتاب یک رساله فلسفی اصلی در نظر گرفته نشده است، اما یک منبع تاریخی با ارزش برای تئوریزه کردن بنیان‌های قدرت هژمون، نقش هنجارها در هژمونی و اساس استراتژی‌ها برای هژمون شدن به شمار می‌رود. یان و خوانگ یافته‌های خود را با تئوری هژمونی غربی دنیای معاصر مقایسه می‌کنند و بیان می‌دارند که متفکران چین باستان قدرت سیاسی را هسته مرکزی هژمونی در نظر می‌گیرند که با وجود دولت ثروتمند و برخوردار از افراد لایق، ضمانت می‌یابد. حتی در متنی که استراتژی ضمیمه‌سازی و اتحاد با سیاستمداران لجوج را برمی‌شمارد بر اهمیت احترام به هنجارهای بین‌ایالتی برای دستیابی به هژمونی و یا حفظ آن تأکید شده است: «بدون حمایت هنجارها و فقط با تکیه کردن بر قدرت، استراتژی‌های دوره دولت‌های متخاصم نمی‌توانستند هژمونی را حفظ کنند. از این رو، تأکید آن‌ها بر هنجارهای بین‌ایالتی امری است واقعی نه ورق کادویی برای سودآوری بیشتر». یان و خوانگ، به منظور ارائه تصویری از این نکته که ناکامی در احترام به هنجارهای بین‌ایالتی تأثیری منفی بر موقعیت دولت هژمون خواهد داشت، به شرایط فعلی جهان نزدیک می‌شوند: «سیاست خارجی یکجانبه‌گرای جورج دبلیو. بوش ظرفیت

بسیج سیاسی ایالات متحده آمریکا در سطح بین‌الملل را ضعیف کرد». وانگ ریخوا<sup>۱</sup> در تفسیر خود (فصل ششم) استراتژی‌های دستیابی به هژمونی را با مد نظر قرار دادن متون دیگری از دوران ماقبل سلسله چین، بسط می‌دهد. او به وفور به جلساتی اشاره می‌کند که به منظور عقد پیمان و میثاق در این دوره برگزار می‌شد، جلساتی که به روشنی عملکرد سیاسی هژمونی، کنترل متحدان، جلوگیری از گسست اتحاد، و تعیین هنجارهای بین‌المللی را به اجرا می‌گذاشت، به گونه‌ای که خواسته دولت هژمون به صورت وفاق بین‌المللی درآید و در نتیجه، هژمونی را نهادینه کند. علاوه بر این، تئوری هژمونی سیاسی این دوره، همانند تئوری «فقط جنگ» در دوران جدید، استراتژی نظامی فعال در پاسخ به تجاوز را بر به راه انداختن جنگ‌های تجاوزگرایانه ترجیح می‌دهد. همچنین تأکید می‌کند که دولت هژمونیک وظیفه فراهم کردن تضمین امنیت برای دولت‌های کوچک - متوسط و کمک اقتصادی در زمان خطر، نظیر قحطی را بر عهده دارد. اما وانگ به ما یادآوری می‌کند که «مکاتب چینی باستان، از جمله دوره دولت‌های متخاصم، تمامی بر این نظرند که تمایز اصلی در قدرت، تفاوت بین قدرت انسانی و هژمونی است». متفکران ماقبل سلسله چین عنوان می‌کنند که اعمال قدرت هژمونیک بر دولت‌های دیگر در یک جهان تکه‌تکه، حتی اگر قدرت از اخلاق برخوردار باشد، از اعمال اقتدار انسانی در جهانی که فقط یک فرمانروا بر سراسر آن فرمانروایی می‌کند دون پایه‌تر است.

### تجدیدنظر در تئوری‌های روابط بین‌الملل معاصر

یان از ابزارهای تحلیلی تئوری‌های روابط بین‌الملل مدرن به منظور

تیزبین کردن فهم ما از فلسفه سیاسی روابط بین‌الملل متفکران در دوران سلسله ماقبل چین استفاده می‌کند. اما متفکران ماقبل سلسله چین می‌توانند به توسعه تئوری‌های مدرن کمک کنند. تئوری روابط بین‌الملل در درجه نخست توسط تاریخ و مفاهیم زبانی دنیای کشورهای غربی شکل گرفت، و هدف یان غنا بخشیدن به این تئوری‌ها با گفتمان تفکر چین باستان است. دوره ماقبل سلسله چین یک منبع غنی است، نه تنها از این منظر که بستر تاریخی آن از نظر حضور دولت‌ها در یک جهان آنارشی به جهان معاصر نزدیک است، بلکه از آنجا که دانشوران این دوره برای کنشگران سیاسی استراتژی می‌نوشتند نه برای همکاران آکادمیک خود: «آنچه متفکران ماقبل سلسله چین مجبور بودند درباره روابط بین‌الملل بگویند تمامی در سیاست ریشه دارد. خاستگاه تفکرات آنان سیاست‌گذاری کاربردی است». یان به صراحت بیان می‌کند که هدف مشخصاً نباید تولید تئوری روابط بین‌الملل یک مکتب چینی باشد، بلکه بهتر است هدف دانشوران توسعه تئوری روابط بین‌الملل با بینش متفکران ماقبل سلسله چین باشد، به گونه‌ای که بتوانیم فهم و قدرت پیش‌بینی بهتری از جهان بین دولت‌هایمان داشته باشیم. بنابراین از فلسفه سیاسی بین‌المللی دوران ماقبل سلسله چین چه درس‌هایی می‌توان آموخت؟ یان تأکید می‌کند که متفکران دوران ماقبل سلسله چین که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند - به غیر از خانفیزه - بیشتر مفهوم‌گرا هستند تا جبرگرای مادی؛ آن‌ها بر این باورند که انتقال قدرت در روابط بین‌الملل را بیشتر با ایده‌ها می‌شود توضیح داد تا با ثروت و قدرت نظامی. در مقابل، در تئوری روابط بین‌الملل امروز، «دو تئوری به خوبی توسعه یافته رئالیسم و لیبرالیسم هستند، که هر



دو از منظر منافع و قدرت مادی به روابط بین‌الملل می‌نگرند». یان بر این باور است که اگر آن‌ها برای مفاهیم و اخلاق در شکل‌دهی امور بین‌الملل نقش جدی‌تری قائل شوند، واقع‌گراتر می‌شوند و ارتباط بیشتری با سیاست‌گذاری برقرار می‌کنند و از قدرت پیش‌بینی بالاتری برخوردار خواهند شد. ساختارگرایی و روان‌شناسی روابط سیاسی بین‌الملل اخیر در صدد پاسخ‌گویی به مفاهیم مربوط به تئوری جبرگرایانه مادی روابط بین‌الملل برآمده‌اند، اما «این دو تئوری هنوز بالغ نیستند... و در سطح مباحث آکادمیک گیر کرده‌اند».

حتی خانفیزه، که به بدبینی شدید شهره است، در متن‌های مشخص - زمانی که انسان‌ها با تهدیدات غیرانسانی مواجه هستند - به مسائل اخلاقی اجازه ورود می‌دهد. یان بیان می‌کند که دیدگاه خانفیزه ممکن است به دلیل به کارگیری مفاهیم برای تئوریزه کردن امنیت به روش‌های جدید، به طور فزاینده‌ای با جهان معاصر ارتباط داشته باشد:

با افزایش تهدیدات غیرسنتی علیه امنیت و کاهش تهدیدات سنتی در این خصوص، ممکن است که اخلاق، در مقایسه با دوران جنگ سرد، نقش بیشتری در همکاری‌های امنیتی بین‌المللی بازی کند؛ زیرا در دوران پیش‌گفته امنیت حاصل دو بلسوک نظامی مخالف بود. به غیر از تروریسم، تهدیدات امنیتی بین‌المللی به طور اساسی تهدیدات غیرانسانی هستند؛ نظیر بحران‌های مالی، بحران‌های انرژی، آلودگی محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی. تغییرات آب‌وهوایی به ویژه یک تهدید جدی برای امنیت بین‌الملل دانسته می‌شود. کاهش انتشار گاز دی‌اکسید کربن به صورت یک موضوع اخلاقی درآمده است. تحقیق در خصوص تئوری امنیت ممکن است در ارتباط با تجزیه و تحلیل یک نظام، همکاری، موفقیت یا ناکامی و تغییر موضع در خصوص منطقه امنیت بین‌المللی زاویه پیدا کند.

درک دوران ماقبل سلسله چین، مبنی بر اینکه اساس اقتدار بین‌المللی سطح اخلاقی دولت پیش‌تاز است، می‌تواند تئوری‌های مدرن را نیز غنا بخشد: «تئوری ثبات هژمونیک در تئوری روابط بین‌الملل معاصر روابط بین طبیعت قدرت هژمونیک و ثبات نظم بین‌المللی را نادیده می‌گیرد... بر اساس روش فکری متفکران ماقبل سلسله چین، ما می‌توانیم فرض کنیم که میان سطح اخلاق هژمونیک با درجه ثبات و طول مدت دوام سیستم بین‌المللی ارتباط وجود دارد». یان، با اشاره به مثال‌هایی از تاریخ امپراتوری قدرت‌های بزرگ غربی، از این فرضیه حمایت می‌کند که «در طول تاریخ، بریتانیای کبیر و فرانسه به ترتیب به طور مستقیم و غیرمستقیم سیاست اداره مستعمرات را پذیرفتند. سیاست استعماری انگلستان به مراتب از فرانسه منعطف‌تر بود؛ در نتیجه، میزان شورش‌ها و جنبش‌های خشونت‌آمیز در مستعمرات انگلستان در مقایسه با فرانسه کمتر بود».

بر اساس تفکر دوران ماقبل سلسله چین، سطح اخلاقی دولت در درجه نخست بر مبنای کیفیت رهبران آن تعیین می‌شود. یان پیامدهای تئوری روابط بین‌الملل معاصر را برمی‌شمرد: «هم تئوری بسط زیاد امپراتوری و هم تئوری ائتلاف سیاسی فروپاشی قدرت هژمونیک به روش‌های مصرف بیش‌ازحد منابع قدرت مادی هژمون را توضیح می‌دهند و این واقعیت را نادیده می‌گیرند که رهبران گوناگون در دولت‌ها مانند موجب تمایز در خیزش یا فروپاشی قدرت آن می‌شوند». متفکران دوران ماقبل سلسله چین در خصوص اینکه کدام جنبه از رهبری سیاسی در تغییر جهت قدرت بین‌المللی تأثیر می‌گذارد دیدگاه خاصی دارند: «در بیشتر زمینه‌ها بر این نظرند که آنچه باید انجام شود آن است که افراد لایق و ارزشمند به کار گرفته شوند». رقابت برای جذب افراد با استعداد و ویژگی دانش اقتصاد است.

این مطلب حاکی از آن است که اندیشمندان دوران ماقبل سلسله چین احتمالاً به یک قانون جهان‌شمول دست یافته بودند که دلایل خیزش و فروپاشی قدرت‌های بزرگ را توضیح می‌داد:

اگر در دوهزار سال پیش رقابت در بین دولت‌های بزرگ بر سر جذب افراد لایق بوده است و در جهان امروز نیز این رقابت وجود دارد، این امر بیانگر آن است که رقابت برای افراد بااستعداد فقط پدیده‌ای خاص در حوزه دانش اقتصاد نیست، بلکه بیشتر بیانگر ماهیت رقابت در بین قدرت‌های بزرگ است.

یان، آشکارا تحت تأثیر این دیدگاه ماقبل سلسله چین، به این باور می‌رسد که چگونگی تحرک افراد مستعد در میان ملت‌ها شاخصی است کلیدی به منظور دستیابی به قدرت سیاسی. او اضافه می‌کند که این شاخص «برای تئوری روابط بین‌الملل معاصر پیشرفتی در جهت برطرف کردن نقیصه فقدان استاندارد برای دستیابی به قدرت سیاسی ملی» به شمار می‌رود.

با توجه به تنوع سطوح اخلاقی دولت‌ها و کیفیت متنوع رهبران و مشاوران، در میزان قدرت ملی نیز گوناگونی وجود خواهد داشت. از آنجا که متفکران ماقبل سلسله چین، در مقایسه با اصول تئوری روابط بین‌الملل در عصر حاضر که خواهان احترام به برابری حاکمیت دولت‌ها هستند، بر این فرض بودند که قدرت در نظام بین‌الملل ساختار سلسله‌مراتبی دارد، به طور غیرقابل بحثی محاسباتشان واقعیت‌های عصر حاضر را بهتر تئوریزه می‌کند تا تئوری‌هایی که از خاستگاه غالباً مدرن برخوردارند:

اگر ما با دقت به سیستم نظام بین‌الملل بنگریم... کشف خواهیم کرد که روابط قدرت در بین اعضای سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تمامی ساختار سلسله‌مراتبی دارد نه برابر. سازمان ملل بین‌المللی پول دائم و غیردائم شورای امنیت و دیگر کشورهای عضو

تمایز قائل می‌شود. ساختار رأی‌گیری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول وابسته به میزان کمک اعضایشان است.

یان منکر آن نیست که هنجارهای برابری کشورهای رفتار دولتی در سیستم بین‌الملل را هدایت می‌کند و او مخالف شیوه سنتی سیستم تیول‌دهی به چین است که در گذشته دور در شرق آسیا اعمال می‌شد و در حال حاضر توجیهی برای آن نمی‌توان یافت، با اینکه حاکمیت برابر در میان ملت‌ها در اصل جنبه سمبلیک دارد. وی استدلال می‌کند که حقیقت وجود سلسله‌مراتب در میان دولت‌ها باید نقش کلیدی در تئوری روابط بین‌الملل بازی کند؛ هم به این دلیل که با واقعیت جهانی جاری در بین دولت‌ها تناسب دارد و هم به خاطر آنکه به تئوری‌ها کمک می‌کند که در خصوص سؤالاتی نظیر این‌ها بیندیشند: بهترین روش برای تعامل با مشکلات عملی سیاسی چیست؟ یا چگونه می‌توان میزان خشونت در منازعات بین‌المللی را به حداقل رساند؟

متفکران ماقبل سلسله چین به طور عام بر این باور بودند که هنجارهای نظام سلسله‌مراتبی می‌تواند رفتار دولت را محدود سازد؛ در نتیجه، می‌تواند نظم میان دولت‌ها را حفظ کند. این در حالی است که تئوریسین‌های معاصر روابط بین‌الملل فکر می‌کنند که برای محدود کردن رفتار دولت‌ها، هنجارهای مربوط به برابری کشورها به تنهایی می‌تواند نگهبان نظم نظام بین‌الملل باشد.

علاوه بر این، دعوی برابری بر این مبنا که بر اساس آن می‌توان از منافع دولت‌های ضعیف‌تر حمایت کرد الزام‌آور نیست؛ زیرا هنجارهای سلسله‌مراتبی می‌توانند کارکردهایی داشته باشند: «هنجارهای سلسله‌مراتبی خواهان آن هستند که قوی مسئولیت بیشتری بر عهده بگیرد، در حالی که ضعیف به اجرای تبعیض‌آمیز

قواعد بین‌المللی احترام می‌گذارد». برای نمونه «هر کدام از کشورهای توسعه‌یافته باید ۷ درصد از تولید ناخالص خود را برای کمک به کشورهای در حال توسعه اختصاص دهند و کشورهای غیر اتمی نباید به دنبال دستیابی به سلاح‌های اتمی باشند».

فلاسفه سیاسی بین‌الملل ماقبل سلسله چین در خصوص اینکه چگونه هنجارها در سیستم بین‌الملل ترویج شوند نیز راهکارهایی پیشنهاد می‌کنند. بر اساس تئوری روابط بین‌الملل معاصر، هنجارهای جدید توسط قدرت‌های بزرگ مطرح می‌شوند و سپس حمایت دولت‌های دیگر را به دست می‌آورند و بعد از یک دوره طولانی، توسط بیشتر کشورها درونی می‌شوند، اما

بر اساس نگاه فلاسفه دوره ماقبل سلسله چین به طبیعت قدرت انسانی و هژمونی، قدرت انسانی در اجرا و تقویت هنجارهای بین‌المللی نقش رهبری را بر عهده دارد، در حالی که هژمونی فاقد این مشخصه است. با درک این مهم، می‌توانیم مسیر تأثیرگذاری طبیعت دولت پیشرو بر جهان شمول‌سازی هنجارهای بین‌المللی بعد از تأسیسشان را مطالعه کنیم.

فرضیه یان مبتنی بر آن است که قدرت انسانی بیش از قدرت هژمون می‌تواند بر هنجارهای سیستم بین‌الملل تأثیر بگذارد.

به طور خلاصه، موضوع کلیدی در ارتباط با قدرت بین‌المللی، قدرت سیاسی است و نکته کلیدی در ارتباط با قدرت سیاسی، رهبری سیاسی معنوی آگاهانه است. یان واقع‌گراست، اما باور دارد که دولت‌هایی که منطبق با اخلاق عمل می‌کنند بیشتر می‌توانند موفقیت‌هایی بادوام در حوزه بین‌المللی به دست آورند. دولت‌هایی که برای دستیابی به اهدافشان بر خودرأیی و استبداد تکیه می‌کنند پایه‌های حاکمیت خود را ویران می‌کنند. دولت‌هایی که بر هژمونی تکیه دارند می‌توانند وظیفه

خود در جایگاه قدرت‌های بزرگ را به انجام رسانند. همچنان که یان مطرح می‌کند، «قدرت انسانی در زیر قلمرو آسمان در وهله اول برای حفظ قدرت همه‌جانبه خود در سیستم، بر فراقدرت نیروی معنوی تکیه می‌کند». با این همه یان دیدگاه ایدئالیستی متفکران ماقبل سلسله چین - به جز خانفیزه - مبنی بر اینکه اخلاق به تنهایی می‌تواند تعیین‌کننده رهبری بین‌المللی باشد را رد می‌کند:

قدرت سخت [یک دولت پیشرو] ممکن است در آن زمان در مقایسه با دیگر دولت‌ها بیشترین نباشد، اما سطح قدرت سخت آن نمی‌تواند بیش از حد کم باشد... این غیرقابل تصور است که یک دولت در زمین فقط با تکیه بر اخلاق و با برخورداری از کمترین میزان قدرت سخت بتواند قدرت فائقه را به دست آورد. در سیاست بین‌الملل قرن بیست و یکم از اهمیت مقررات محدود در یک قلمرو به عنوان عاملی برای به دست آوردن رهبری جهانی به شدت کاسته شده است، در حالی که جمعیتی بیش از دویست میلیون نفر قطعاً در این خصوص نقش مهمی ایفا می‌کند.

در واقع اگر انگلستان، فرانسه، آلمان، ژاپن و روسیه از جمعیت لازم برخوردار نبودند، «امکان تبدیل شدن به یک دولت پیشرو در نظام بین‌الملل را نمی‌داشتند». ممکن است هند و اندونزی از یک اقتصاد مستحکم نظامی برخوردار نباشند، اما عامل جمعیت سبب می‌شود که این دو کشور در مشاجرات بین‌الملل جزو کشورهای رهبر قلمداد شوند: چین و امریکا. ایالات متحد امریکا هم‌اکنون آشکارا قدرت پیشرو است. بنابراین باید دید که چین برای دستیابی به «جایگاه نخست در نظم» باید چه کند.

### پیامدهای خیزش چین

با توجه به اهمیت برخورداری از قدرت سیاسی برای رهبری بین‌المللی،

دولت چین نباید فرض کند که قدرت اقتصادی بیشتر لزوماً منجر به قدرتی برای تغییر هنجارهای بین‌المللی می‌شود. همچنان که یان مطرح می‌کند، «افزایش ثروت می‌تواند موقعیت قدرت چین را افزایش دهد، اما لزوماً چین را قادر نمی‌سازد که کشوری شود که کشورهای دیگر به او احترام بگذارند؛ زیرا ابرقدرت سیاسی‌ای که تحصیل ثروت را در بالاترین سطح منافع ملی خود قرار دهد ممکن است به جای نعمت، برای دیگر کشورها نعمت به ارمغان آورد». از زمانی که چین در سال ۱۹۷۸ سیاست اصلاحات و درهای باز را در پیش گرفت، «دولت دستیابی به رشد اقتصادی را هسته مرکزی استراتژی خود قرار داده است». در سال ۲۰۰۵ این کشور سیاست یک جهان هم‌نوا را مطرح کرد و برنامه تنظیم و گسترش روابط دوستانه با دیگر کشورها را در دستور کار قرار داد. «اما در گزارش سال ۲۰۰۸، که در نشست امور خارجی کمیته مرکزی حزب کمونیست ارائه گردید، تصریح شده بود که تقویت ساختار اقتصادی (چین) باید هسته مرکزی کارها در حوزه امور خارجی قرار گیرد». یان در تحلیل انتقادی خود می‌نویسد: «دولت چین تاکنون به طور آگاهانه قادر به ایجاد قدرت انسانی به عنوان یک هدف استراتژیک برای ارتقای خود نبوده است». همانند تئوری‌های روابط بین‌الملل معاصر، به نظر می‌رسد دولت چین بیش از همه بر اهمیت سیاسی قدرت اقتصادی تأکید دارد. در این خصوص احتمالاً دولت هنوز در زیر چتر اندیشه دترمینیسم اقتصادی مارکس در نوسان است.

پس به جای ادامه این روند، باید چه کنیم؟ یان پیشنهاد می‌کند که چین برای افزایش قدرتش باید از استراتژی توصیه‌شده شونزه استفاده کند که «بر استعداد انسانی تأکید و بر رقابت برای به کارگیری افراد مستعد تمرکز دارد». او در این خصوص این انتقاد را مطرح می‌کند:

در حال حاضر استراتژی چین برای پیدا کردن افراد با استعداد عمده‌تاً در به کارگیری آن‌ها در شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی در حال رشد خلاصه می‌شود و هنوز به این مقوله به عنوان مجموعه‌ای برای افزایش قدرت ملی نگاه نشده است و مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. فرد با استعداد هنوز فقط در ارتباط با مسائل فنی و تکنیکی فهمیده می‌شود نه در سطح سیاستمداران و مقامات بالای رسمی... الزامات پرسنلی برای خیزش یک قدرت بزرگ متخصصان فنی نیستند، بلکه سیاستمداران و مقامات رسمی هستند که توانایی ابداع سیستم‌ها و قواعدی را دارند که برای خیزش یک قدرت بزرگ جزو موارد کلیدی به شمار می‌روند.

با آنکه افراد لایق در دسترس هستند، اما همیشه انتخاب نمی‌شوند: «شونزه بر این نظر است که مورد کلیدی آن است که آیا حاکم آن‌ها را انتخاب خواهد کرد یا نه».

یان، با ذکر مثال‌های تاریخی، به تشریح چند استراتژی برای یافتن افراد لایق می‌پردازد، بدان‌سان که خیزش یک قدرت بزرگ را تضمین می‌کنند. نخست

درجه باز بودن بالاست: انتخاب مقامات رسمی از تمام نقاط جهان و از میان کسانی انجام می‌گیرد که از استانداردهای اخلاقی و توانمندی لازم برخوردارند. به این ترتیب، توانمندی دولت برای تجویز سیاست‌های درست افزایش می‌یابد. برای مثال در دوران باستان، سلسله تانگ در چین و امپراتوری امویان در اسپانیا و شمال آفریقا و خاورمیانه برای خیزششان تعداد زیادی از خارجیان را به عنوان مقامات رسمی استخدام می‌کردند. گفته می‌شود که در بالاترین حالت، بیش از ۷۰ درصد مقامات امپراتوری اموی را خارجیان تشکیل می‌دادند. ایالات متحد آمریکا نیز موقعیت هژمونیک خود را به واسطه سیاست جذب خارجیان مستعد به دست آورده است.



یان ملی گراست - او بیشتر به دنبال منافع کشور خودش است تا دیگر کشورها - اما بر این باور است که بهترین روش برای حفظ منافع کشورش به خدمت گرفتن بیشترِ خارجیان مستعد است. روزی چین از خط پایانی قدرت سخت عبور می کند؛ اصلی ترین رقابت با ایالات متحد امریکا بیشتر بر سر نیروی لایق است تا بر سر برتری اقتصادی و نظامی.

دوم، یان این بحث را مطرح می کند که مقامات باید مسئولیت اشتباهات خود را بر عهده بگیرند. او مخالف مادام العمری بودن مشاغل است؛ زیرا میزان فساد، تنبلی و تمایل به تکرار اشتباهات در مقامات را بالا می برد. در جوامع شایسته

مقامات رسمی نامناسب می توانند به سرعت از کار برکنار شوند تا از میزان تصمیمات اشتباه کاسته شود. لازمه اش این است که سیستمی ایجاد شود که اگر به هر دلیلی، نظیر فساد به خاطر قدرت، از دست دادن بصیرت و آگاهی، ضایع شدن عقل، زوال توانمندی های ظاهری و از دست رفتن سلامتی، سیاستمداران و مقامات رسمی توانایی خود برای گرفتن تصمیمات صحیح را از دست دهند، بر اساس آن سیستم، از مقام رسمی خود برکنار شوند تا فرصت برای جایگزین کردن آنها با افراد لایق وجود داشته باشد و به این طریق بتوان از میزان خطاهای سیاسی فروکاست و به صورتی نامحدود قدرت سیاسی را افزایش داد.

یان همچنین بحث اندیشکده های مستقل را مطرح می کند که امکان مشاوره های تخصصی در حوزه سیاست را فراهم می آورند. در حال حاضر «مؤسسات تحقیقاتی وابسته به نهادهای دولتی در واقع نهاد مشاوره فکری نیستند. اصلی ترین وظیفه آنان اجرای سیاست هایی است که برای آنها تعیین شده، نه ارائه فکر و نظر. بر عهده گرفتن وظایف یک اندیشکده به منزله انجام مسئولیت اجتماعی است». چنین

اندیشکده‌هایی در گذشته نیز وجود داشتند، «اما از زمان تأسیس چین جدید در سال ۱۹۴۹ دولت اجازه نداده است که مقامات عالی‌رتبه مشاوران شخصی خود را داشته باشند یا به یک نهاد مشاوره‌ای غیردولتی اتکا کنند». اگر سیستم اندیشکده مستقل و مشاوران معنوی عمومی زنده شود، یان آشکارا می‌گوید مشتاق خدمت است: «من در این اندیشکده‌ها حضور خواهم داشت».

به طور خلاصه، چین می‌تواند قدرت سیاسی خود را از راه پذیرش سیستم شایسته‌سالاری گزینش مقامات سیاسی رسمی و مشاوران افزایش دهد. اما این امر منجر به طرح این سؤال خواهد شد: این افراد لایق و سیاستمداران دلسوز عامه و مشاوران دقیقاً باید در راستای دستیابی به چه هدفی باشند؟ در غرب، گفتمان سیاسی به طور معمول به دو گزینه محدود می‌شود: دموکراسی «خوب» است و استبداد «بد». مفسران طرفدار دموکراسی، چه اقتدارگرا و چه لیبرال، به دنبال یک «اجتماع» یا «هم‌سازی» دموکراتیک هستند که با هم در راستای ارتقای توسعه دموکراسی در جهان کار کنند. تزه‌های علمی اجتماعی مبنی بر اینکه دموکراسی‌ها در پی جنگ با دیگران نیستند موضوعی بسیار مناقشه‌برانگیز بوده است. در نگاه یان، این دو گزینه در هر حال در ارتباط با هژمونی و اقتدار انسانی مطرح می‌شوند. گزینه اول چندان خوب نیست، اما قابل اعتماد بودن یک استراتژی را تضمین می‌کند. دولت‌هایی که در عصر ماقبل سلسله چین به دنبال هژمونی بودند بازیگرانی قابل اعتماد در عرصه نظام بین‌الملل به شمار می‌رفتند، اگرچه به طور پیوسته به دنبال اهداف تحسین‌برانگیز معنوی نبودند. اقتدار انسانی بهترین گزینه است – کشورهای که با اقتدار انسانی مدیریت می‌شوند روش‌های برتری اخلاقی‌شان الهام‌بخش سایر کشورهای جهان خواهد بود – هر چند دستیابی به آن سخت‌تر است.

بنابراین چین باید تشنه هژمونی باشد یا اقتدار انسانی؟ یا اجازه هر دو امکان را می‌دهد. او ایالات متحد آمریکا را یک کشور صاحب هژمون در نظر می‌گیرد و این بحث را مطرح می‌کند که چین باید به دنبال یک جایگاه معنوی بالاتر باشد:

اگر چین بخواهد یک دولت با اقتدار انسانی باشد، وضعیتش با ایالات متحد معاصر متفاوت خواهد بود. هدف اصلی استراتژی ما نه تنها باید کاهش میزان فاصله سطح قدرتمان از ایالت متحد آمریکا باشد، بلکه باید فراهم کردن مدلی اجتماعی بهتر از آنچه ایالات متحد ارائه کرده است را نیز مد نظر داشته باشیم.

با وجود این، او در حمایت از کسب هژمونی می‌نویسد: چین می‌تواند انعکاس دهنده استراتژی‌های ایجاد متحد باشد، که از تدابیر دولت‌ها در عصر دولت‌های متخاصم بود، و یک استراتژی نافع برای افزایش حمایت سیاسی بین‌المللی از سیاست‌های خود را پذیرا باشد. تدبیر استراتژی ایجاد متحد دولت‌های متخاصم و اصل حزب کمونیست متحد بسیار به هم شبیه هستند. این دست از اصول این توانایی را داشتند که در جنگ علیه تجاوز ژاپن به چین، پیروزی را برای کشور به ارمغان بیاورند (برای مثال جنگ جهانی دوم) و ممکن است در هدایت روند خیزش چین نیز موفق عمل کنند.

ممکن است ما گمان کنیم که اهداف چین وابسته به زمینه بین‌المللی شود. در زمان جنگ باید به دنبال ایجاد متحدان قابل اعتماد بود تا بتوان موقعیت هژمونیک خود را حفظ کرد یا افزایش داد؛ در زمان صلح باید همانند یک قدرت انسانی عمل کرد.

اما چین چگونه می‌تواند مانند یک قدرت انسانی عمل کند؟ در دوره ماقبل سلسله چین، ایدئال قدرت سیاسی انسانی بر مبنای فرض فقط یک فرمانروای مقتدر با حاکمیت بر تمام جهان شکل می‌گرفت. بر اساس دیدگاه یان، امروزه به هر حال ایجاد یک دولت

جهانی ایدئال نه امکان‌پذیر است و نه مطلوب. بنابراین چین چگونه می‌تواند در جهانی سلسله‌مراتبی که به کشورهای متعددی تقسیم شده است که اغلب برای منافعشان در رقابت با یکدیگرند همانند یک قدرت انسانی عمل کند؟ در روابط بین‌الملل، «چین نباید روش عملکرد جاری، یعنی روش ایالات متحده آمریکا را بپذیرد، روشی که می‌گوید تمام دولت‌ها برابرند، در حالی که در عمل همواره به دنبال تسلط بر عرصه بین‌المللی است». دولت چین به برخی از فرضیه‌ها پاسخ داده است: «پیشنهاد‌های چین برای دموکراتیزه کردن روابط بین‌الملل را جامعه جهانی به راحتی نپذیرفته است؛ زیرا چین نمی‌تواند از قدرت رأی ویژه خود در شورای امنیت سازمان ملل چشم‌پوشی کند».

به جای آن، چین باید آشکارا این را به رسمیت بشناسد که یک قدرت مسلط در جهان سلسله‌مراتبی است. اما این شیوه از تسلط به معنای آن است که چین باید مسئولیت‌های بیشتری را بر عهده بگیرد؛ مثلاً شرایط کمک اقتصادی به کشورهای فقیر و تضمین امنیت دولت‌های فاقد قدرت هسته‌ای. به جای اصرار بر عمل متقابل، مثلاً در ارتباط با کشورهای ضعیف‌تر، چین باید تلاش کند که با توجه به هنجارهای بین‌المللی همسو با خواسته‌های کشورهای ضعیف‌تر، حمایت آنان را به دست آورد. در همکاری با ۱ + ۱۰ - شورای همکاری ملت‌های آسیای جنوب شرقی (آسه‌آن)<sup>۱</sup> و چین - برای مثال، «چین باید تعرفه صفر درصد در تجارت محصولات کشاورزی با اعضای آسه‌آن را بیشتر لحاظ کند. اجرای این هنجار نابرابر سبب شده است که همکاری اقتصادی کشورهای آسه‌آن با چین به مراتب بیشتر از همکاری آنان با ژاپن توسعه یابد. ژاپن خواهان تعرفه برابر با آسه‌آن بود، که در نهایت،

میزان پیشرفت همکاری اقتصادی‌اش با کشورهای آسه‌آن را کند کرد و آن را در ردیفی با فاصله زیاد از چین قرار داد.»

این فقط یک مسئله سیاست خارجی نیست: «برای چین، بر اساس برخورداری از قدرت انسانی، تبدیل به یک مدل ابرقدرت شدن باید به گونه‌ای باشد که در درجه نخست الگویی برای دیگر دولت‌ها باشد که مشتاق باشند آن را سرمشق خود قرار دهند». به زبان دیگر، چین باید همانند یک مقتدر در خانه عمل کند. یان استدلال می‌کند که معادل قدرت انسانی در دنیای مدرن، دموکراسی است: «من فکر می‌کنم که در احترام به هنجارها، مفهوم مدرن دموکراسی و مفهوم باستانی قدرت انسانی در چین شبیه به هم هستند... امروزه سیستم انتخاباتی یک هنجار سیاسی جهانی شده است». قدرت انسانی همچنین به جامعه‌ای منتقل می‌شود که در ارتباط با دیگر نقاط جهان، بازتر عمل می‌کند:

کنترل سخت‌تر مرزها منجر به سوء تفاهم‌های بزرگ‌ترین ملت‌ها و تقابل‌های قطعی بیشتر می‌شود. چین باید اصول آزادی سفر، زندگی و کار در هر جای جهان را افزایش دهد. مردم مایل‌اند که به جاهایی برای زندگی بهتر حرکت کنند. از این رو، ملت‌هایی که در شرایط بهتری هستند مردم با استعداد را جذب می‌کنند. بر همین اساس، چین باید سیاست باز بودن در برابر جامعه جهانی را افزایش دهد.

یان در ضمیمه ۲ تصویری از یک واقع‌گرای سرسخت از خود ارائه می‌کند:

من بیشتر نگران آن هستم که چگونه زندگی و رفتار سیاسی واقعی می‌تواند صحت و سقم تئوری را توضیح دهد. من به چیزی که نشود صحت و سقم آن را آزمود علاقه‌مند نیستم؛ زیرا راهی نیست که بدانیم آیا نتایج آن سودمند است یا خیر. برای مثال برای انجام پیش‌بینی، دوست دارم یک چارچوب زمانی پنج یا سه‌ساله تعیین کنم [۴].

به نظر می‌رسد که بحث یان در خصوص «قدرت فوق‌العاده چهره اخلاقی» قطعاً به تفکر هنجاری در خصوص آینده دور تغییر جهت می‌دهد. مخالفت با دیدگاه سیاسی او برای چین سخت است: این امر مسئولیت‌های بین‌المللی را بیشتر و به کشورهای حاشیه‌ای کمک می‌کند. قوانین آن را برخی از سیستم‌های انتخابی گزینش می‌کنند. مشاوران سیاسی آن بر اساس یک سیستم کارآمد انتخاب می‌شوند که در آن، ارتقا و تنزل بر اساس کارآمدی سنجیده می‌شود نه وابستگی‌های سیاسی و مرزهای چین برای تمام مردم سراسر جهان برای رقابت به منظور جذب افراد مستعد باز است. این دیدگاه قطعاً با واقعیت آنچه در حال حاضر در جریان است بسیار فاصله دارد، اما احتمالاً می‌توانیم مقداری از ناهماهنگی‌های متدولوژیک را نادیده بگیریم. اگر تأثیرگذارترین واقع‌گرایان امریکایی می‌توانند رؤیای جهانی بدون سلاح‌های هسته‌ای را ببینند [۵]، یان شوئه‌تونگ می‌تواند رؤیای کشوری را ببیند که با ارزش‌های انسانی خود، الهام‌بخش دیگر مناطق جهان است.